

نتایج آزادی فردی در فرهنگ غربی و اسلام

آیا می‌دانیم؟ ...

1- در فرهنگ غربی

- 1-1- رهبانیت افراطی مسحیت قرون وسطی باعث تفریط بی‌قیدی انسان در دوران جدید شد.
- 2-1- اتکای انسان به علوم تجربی باعث شد که خود را موجودی تک بعدی و در ادامه سایر حیوانات بداند.
- 3-1- این انسان از قبل از تولد خود اطلاعات محدود و ناقصی دارد.
- 4-1- از بعد از مرگ خود هیچ اطلاعی نداشته و هیچ امیدی هم به آن ندارد.
- 5-1- تمام فرصت و امید او از هستی، زندگی مابین تولد و مرگ است.
- 6-1- تنها برخورداری او از این هستی محدود، لذت‌های مادی است.
- 7-1- بنابراین، هیچ محدودیتی را برای لذت‌های مادی خود نمی‌پذیرد.
- 8-1- اما مجبور است، در رابطه با دیگران و طبق قوانین اجتماعی، خود را محدود سازد.
- 9-1- آزادی در فرهنگ غربی در عمل به آزادی بُعد حیوانی انسان (غرایز) از بعد عقلانی و انسانی او (عقل و روح) تبدیل شد.

2- در فرهنگ اسلامی

- 1-1- در اسلام هیچگاه به رهبانیت توصیه نشده و برعکس به برخورداری متعادل از مواهب طبیعی تاکید شده است.
- 2-2- انسان یک موجود چند بعدی مطرح شده که غیر از جسم دارای چهار نفس گیاهی، حیوانی، عقلانی و روحانی¹ است.
- 3-2- از طریق کلام الهی می‌داند که به تنهایی، جهان کوچک است و همه مراتب وجود در او بالقوه نهادینه شده است.
- 4-2- می‌داند که حیات او جاودانی است و پس از مرگ می‌تواند برحسب ایمان و عملش از پست‌ترین تا عالی‌ترین جایگاه را داشته باشد.
- 5-2- زندگی دنیا را محل گذر و فرصتی برای رشد و کمال و برخورداری از هستی جاودان و لذت‌های نامتناهی می‌داند.
- 6-2- لذت‌های مادی را متعلق نفس گیاهی و حیوانی و محدود دانسته و لذت‌های نفوس عقلانی و روحانی را نامتناهی می‌داند.
- 7-2- بنابراین با شناخت عدل و ظلم - حلال و حرام - لذت‌های مادی را در جهت لذت‌های معنوی کنترل و محدود می‌نماید.
- 8-2- برای سامان دادن به افکار و اعمال خود، دارای داوری درونی (عقل) و داوری بیرونی (وحی) است.

¹- منقول از امام علی (ع)

2-9- آزادی در این فرهنگ یعنی آزادی بعد انسانی انسان (عقل و روح) از بعد حیوانی او (غرایز مادی).

با توجه به بررسی فوق ملاحظه می‌شود مفهوم به ظاهر مشترک آزادی فردی در فرهنگ غرب با مفهوم آن در فرهنگ اسلامی در عمل کاملاً متناقض و متضاد است.

آزادی در فرهنگ غربی یعنی آزادی بعد حیوانی انسان (نفس امرکننده به بدی و زشتی) از کنترل و نظارت بعد عقلانی و روحانی او یعنی (نفس امرکننده به نیکی و زیبایی) و این درست برخلاف فرهنگ اسلامی است. مهمتر آنکه در فرهنگ غربی، آزادی انسان برای مصرف کردن و مصرف شدن قوای فردی و بالفعل اوست و مرگ پایان همه چیز است؛ و در فرهنگ اسلامی آزادی انسان برای تحقق استعدادهای عظیم و فطری اوست؛ برای رسیدن به بالاترین درجه وجود و سعادت ابدی.